

## جانب‌داری از مذهب تشیع و پادشاهان صفوی در کتاب تکمله الاخبار

سعید نجفی نژاد<sup>۱</sup>

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2019.4929](https://doi.org/10.22034/SKH.2019.4929)

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۱۸

نوع مقاله: ترویجی

### چکیده

ظهور صفویان و اقداماتی که در زمینه ترویج مذهب تشیع اثناعشری انجام دادند، دگرگونی‌های فراوانی در عرصه‌های مختلف فرهنگی - اجتماعی ایران پدید آورد. یکی از تحولات مهم در حوزه فرهنگی، مربوط به سبک تاریخ‌نگاری است. این تغییر نه در سبک ظاهری، بلکه مربوط به محتوا و موضوعات مطرح‌شده در آثار مورخان این دوره است. تاریخ‌نگاران زیادی در این دوره قدم به عرصه نهادند که باورهای شیعی قدرت‌مندی داشته و هم‌زمان به جانب‌داری از صفویان به عنوان مروجان این آیین پرداختند. عبدی بیگ شیرازی یکی از این مورخان بوده که حمایت از مذهب تشیع امامیه و حکومت صفوی را در کنار هم مورد توجه قرار داده است. در این پژوهش سعی خواهد شد با جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای، به بررسی علل و چگونگی جمع بین هواداری از مذهب تشیع دوازده‌امامی و خاندان صفوی در کتاب تکمله الاخبار عبدی بیگ شیرازی، به عنوان مسئله اصلی این تحقیق، پرداخته شود. به نظر می‌رسد مهم‌ترین عامل این جانب‌داری دوجانبه در اثر عبدی بیگ، اعتقادات مذهبی مؤلف آن بوده و تلاش بر این خواهد بود که در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، سیمای مناسبی از این

---

۱. دکتری تاریخ اسلام، دانشگاه آزاد نجف آباد: s.nagafinezhad@gmail.com

موضع عبدی بیگ به نمایش درآید.

## واژگان کلیدی

صفویه، تاریخ‌نگاری، تشیع اثناعشری، عبدی بیگ، تکملة الاخبار

### مقدمه

هرچند به ظاهر، تفاوت محسوسی بین تاریخ‌نگاری صفوی و تیموری و ایلخانی دیده نمی‌شود، اما به لحاظ محتوایی تفاوت‌های عمیقی بین این دو وجود دارد. این تفاوت مهم از گسترش مذهب تشیع در دوره صفوی نشأت گرفته و همه چیز را تحت‌الشعاع قرار داده است. در حقیقت در دوره صفوی با اهمیتی که سلاطین آن به ترویج تشیع داشتند، سعی می‌کردند همه شئون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به نوعی با تشیع مطابقت داده و فرهنگ شیعی را در ایران بسط دهند. مسلماً تاریخ‌نگاری هم که یکی از ارکان مهم تبلیغات دولت صفویه بود، از این جریان‌ات‌الهام گرفت و در مسیر اشاعه فرهنگ شیعی با این تحولات همراهی کرد.

در بررسی تاریخ‌نگاری دوره صفویه، مهم‌ترین موضوعی که جلب توجه می‌کند، حمایت‌های بی‌دریغ مورخان این عصر از موجودیت مذهب تشیع اثناعشری است. این حمایت‌ها که با ترویج گسترده مذهب تشیع نیز همراه است، روح تاریخ‌نگاری دوره صفوی را تحت تأثیر قرار داده است. در این بین، جانب‌داری از حکومت صفوی و مشروعیت‌بخشی به این حکومت، از دیگر خصوصیات بارز این تاریخ‌نگاری است که در جای‌جای منابع تاریخی این دوره مشهود است. حمایت از مذهب تشیع و حکومت صفویان در تاریخ‌نگاری دوره صفوی دارای ارتباط معناداری است. وجود این ارتباط پیامی مهم و اثرگذار برای مخاطبین این کتاب‌ها در پی دارد که بیان‌گر یکسان‌نگاری حمایت از این دو در نظر این مورخان است.

یکی از تاریخ‌نگاران دوره صفوی که سبک تاریخ‌نگاری‌اش از این حیث شاخص است، عبدی بیگ شیرازی است که در کتاب تکملة الاخبار از تشیع و صفویان جانب‌داری پایاپایی داشته است. نکته قابل توجه در این کتاب، تأکید بر مرتبط بودن پادشاهان صفوی و ائمه معصومین علیهم‌السلام است که به نوعی تأمین‌کننده پشتوانه فکری لازم برای منطقی جلوه دادن حمایت از این دو در کنار هم است.

هر چند ذکر مصادیق از کتاب تکملة الاخبار برای فهم بیشتر این موضوع مؤثر است، اما در

این پژوهش برای رعایت اختصار، به واکاوی علت اتخاذ این موضع بیشتر پرداخته شده است. ضمن آنکه برای حل شدن مسئله اصلی پژوهش، به سبک نگارشی کتاب که متأثر از باورهای شیعی مؤلف آن بوده نیز اشاره‌ای شده است. به علاوه اساساً تاریخ‌نگاران دوره صفوی و به‌ویژه عبدی بیگ شیرازی (که با شعر و شاعری نیز مأنوس بود)، از ظرفیت‌های موجود در دربار برای رسیدن به اهداف خود استفاده مناسبی کرده‌اند. ایشان با ظرافت میان اعتقادات شیعی خود و اهتمام پادشاهان صفوی برای ترویج تشیع، پیوند برقرار کرده‌اند.

در این پژوهش تلاش بر این است با بررسی دلایل این جانب‌داری دوطرفه، از فضای فکری تاریخ‌نگاران عصر صفوی و میزان تأثیر آنها بر روند ترویج مذهب تشیع اثناعشری به شناختی کلی و منطقی برسیم. اهمیت این موضوع به این دلیل است که هنوز بعضی از ابعاد معمای گسترش سریع تشیع در ایران اوایل دوره صفوی به‌صورت نهفته باقی مانده است. آشنایی با سبک کار و انگیزه‌های مؤلف کتاب تکملة الاخبار که در دوره شاه طهماسب (دوره تثبیت تشیع) می‌زیست، می‌تواند به روشن شدن بیشتر این موضوع کمک کند.

### پیشینه تحقیق

تا کنون در رابطه با این موضوع، تحقیقی مستقل نبوده است. اما چند مقاله وجود دارد که موضوع آن نزدیک به این مطلب است که از جمله آنها به مقاله «تکملة الاخبار» نوشته سیدکاظم روحانی می‌توان اشاره کرد. در این مقاله به معرفی اجمالی کتاب «تکملة الاخبار» و برخی ویژگی‌های آن بسنده شده است. مباحث اصلی این مقاله کوتاه، در قالب حدوداً هفت صفحه شکل بندی شده است. اما در عین کوتاهی به برخی نکات ظریف نیز اشاراتی شده است. همچنین مقاله‌ای با عنوان «نوشته‌های تاریخی عبدی بیگ»، تألیف سیدعلی آل داوود نگاشته شده که در آن به طور مفصل به شرایط زندگی عبدی بیگ توجه شده و کمتر به تأثیر عقاید مذهبی بر نوشته‌های او پرداخته شده است. ضمن اینکه در این مقاله هر دو اثر تاریخی عبدی بیگ، یعنی تکملة الاخبار و صریح الملک نقد و بررسی شده است. بالاخره، اثر دیگر متعلق به مهدی فیضی سخا و با عنوان «تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگری عبدی بیگ شیرازی در تکملة الاخبار» است. این مقاله در بین سه مقاله یادشده بیشترین ضلع تماس با نوشتار حاضر را دارد. در این مقاله بر مباحثی مانند موعودگرایی و تأویل‌گرایی عبدی بیگ تمرکز شده و از این نظر در شناخت رویکرد شیعی عبدی بیگ در اثرش بسیار مفید است.

### ۱. معرفی مختصر کتاب تکملة الاخبار

کتاب تکملة الاخبار، اثری مختصر، دلکش و روان است که مورخی شاعر آن را به تألیف درآورده است. مورخ در این کتاب وقایع روزگار قدیم را تا سال‌های پایانی عمرش ذکر می‌کند. البته بیشتر کتاب مربوط به تاریخ صفویه است. عبدی بیگ در این کتاب، شاه اسماعیل اول و به ویژه پادشاه معاصر خودش، شاه طهماسب را بسیار می‌ستاید.

سبک نگارش عبدی بیگ در کتاب تکملة الاخبار سبکی آمیخته با لفاظی‌های معمول تاریخ‌نگاری عصر صفوی است. اما با وجود این، در مقایسه با بسیاری از کتاب‌های تاریخی این دوره، قلم او معقول‌تر بوده و تکلف کمتری دارد.

در کتاب تکملة الاخبار از ماده تاریخ‌هایی برای اثبات پیش‌فرض‌های مؤلف استفاده شده است که آن را برای خواننده عصر صفوی جذاب‌تر و امیدوارکننده‌تر به آینده حکومت صفوی می‌کند. با این اوصاف تکملة الاخبار را می‌توان جزء آن دسته از کتاب‌ها در نظر گرفت که تأمین‌کننده خواسته‌های دولت و ملت است. از سویی حمایت از مذهب تشیع را شاهد هستیم و در سویی دیگر، طرفداری از خاندان صفوی یعنی برآورده کننده نیازهای اعتقادی یک تئوکراسی. عبدی بیگ لحنی عقیدتی، متعصبانه و مذهبی در تبیین و تشریح تاریخ صفویه به کار بسته است. (آرام، ۱۳۸۶: ۲۱۷) البته این توقع که نوشته‌های تاریخی عاری از شائبه اغراض باشد نابعاست و در بسیاری موارد نویسنده، نمی‌تواند از تأثیر علایق و عصبیت‌های اجتماع، طبقه، ملت و مذهب خود برکنار بماند. (چایلد، ۱۳۵۵: ۴۰) اما آنچه که برای ما مشخص است، تعصب دو سویه عبدی بیگ به تشیع و صفویان است که در تکملة الاخبار از پستوی ذهن عبدی بیگ خروج کرده و در قلم او نمایان شده است.

به اعتقاد مصحح کتاب تکملة الاخبار، مؤلف بخشی از مطالب خود را از کتاب تاریخ جهان آرا اثر قاضی احمد غفاری کاشانی اقتباس نموده است. اما خود آقای عبدالحسین نوایی در همان پیشگفتار اعتقاد دارد که: «نباید تصور کرد تکملة الاخبار تلخیصی انتحال آمیز از جهان‌آراست و بس. بلکه طبع شاعرانه عبدی بیگ، شور و حالی دیگر به کتاب بخشیده و نکاتی که او از مشهودات و مسموعات خود بر کتاب افزوده، تاریخ او را لطف و حلاوتی خاص بخشیده است». از این کتاب ظاهراً یک نسخه بیشتر نیست و آن نسخه‌ای است که به کتابخانه حاجی حسین آقا ملک به شماره ۳۸۹۰، به خط نستعلیق و ظاهراً مربوط به قرن دوازدهم تعلق دارد. (عبدی بیگ شیرازی (مقدمه مصحح)، ۱۳۶۹: ۳۰)

## ۲. جانب‌داری از مذهب تشیع و خاندان صفوی در تاریخ‌نگاری صفوی

در دوره صفوی، حمایت گسترده پادشاهان صفوی از کسانی که به هر طریقی به گسترش مذهب تشیع اثناعشری کمک می‌کردند، موجب ترویج و جانب‌داری از این مذهب در کتاب‌های مورخان آن دوره شده بود. در این دوران، تاریخ‌نگاران، حمایت پادشاهان صفوی را به عنوان یک نیروی انگیزشی قوی در کنار خود می‌دیدند. واقعیت این است که تاریخ‌نگاران دوره صفوی و افکار و عقاید و به‌ویژه انگیزه‌های آنان، تفاوت آشکاری با مورخان قبل از خود دارند. در این دوره چون مهم‌ترین مسئله حکومت، ترویج تشیع بوده است، بر همین اساس افرادی که به کارهای مهم گماشته می‌شدند، از میان افرادی انتخاب می‌شدند که در تشیع آنها هیچ تردیدی نباشد. در این دوره نیز همانند ادوار دیگر، از مورخان می‌خواستند تا اقدامات پادشاهان و مقام‌های حکومتی را در قالب کتاب‌هایی تاریخی گزارش دهند. تاریخ‌نگاران این عصر نیز در حد‌اعلای خود به کمک حکومت آمده و آنها را در مسیر تحقق اهداف‌شان یاری کردند.

با توجه به اینکه کتاب‌های تاریخی هر سلسله‌ای، گزارش عملکرد طبقه حاکم است، تاریخ‌نگاران هر دوره بهترین گزینه‌های حمایت از سوی حکومت‌اند. تاریخ‌نگاران دوره صفوی نیز با وجود کاستی‌ها و فساد اخلاقی غالب پادشاهان صفوی، بیشترین تأکید را بر تعصبات شیعی و نسب این خاندان داشتند. شرایط در دوره صفوی به گونه‌ای بود که تقریباً تمامی افراد جامعه ایران به نوعی با مسئله ترویج آیین تشیع در ارتباط بودند.

البته با در نظر گرفتن دگرگونی‌های سیاسی و دینی عصر صفویه، شاکله تاریخ‌نویسی ایرانی با دشواری جدیدی رو به رو شد. این دشواری دست کم در آنچه به نهاد سیاسی مربوط می‌شد، تغییر ساختار سنتی وقایع‌نگاری از مبنای سلطان مسلمان سنی مذهب به پادشاه دین‌پناه مروج مذهب تشیع اثناعشری بود. از سوی دیگر نظام جهانی خلافت اسلامی در اندیشه تاریخ‌نویسی پیش از صفویان، جای خویش را به رخنه تدریجی و ایجاد جهان‌نگری بر مبنای اندیشه امامت و ولایت شیعی داد. به نظر می‌رسد این امر، تاریخ‌نویسی عصر صفوی را در عین متمایز شدن از سنت پیشین، دچار دشواری می‌کرد. (صفت گل، ۱۳۸۸، ص ۶۹)

در این دوره ارتباط معنادار حمایت از مذهب تشیع و حکومت صفویان در تاریخ‌نگاری صفوی با پدیده‌ای به نام رؤیانگاری همراه شد و رؤیاهایی در این کتاب‌ها ذکر گردید که بعضاً به صورت هدف‌مند در جهت تثبیت جایگاه صفویان به عنوان احیاگران مذهب تشیع در ایران، نگاشته شدند. رؤیاهایی که با معنویت‌بخشی به پادشاهان صفوی و به‌ویژه شاه اسماعیل و شاه

طهماسب، حرکت انقلابی صفویان را در ادامه یک مسیر محتوم از پیش تعیین شده معرفی کرده و این باور را به خواننده القا می‌کند که اینان در امر ترویج تشیع دارای مسئولیتی هستند که از مدت‌ها پیش بر عهده آنان نهاده شده است.

لازم به ذکر است که عصر صفویه به لحاظ تعداد منابع تاریخ‌نگاری، یکی از غنی‌ترین دوره‌ها در تاریخ ایران تا زمان خود محسوب می‌شود. در این دوره حدود چهل اثر تاریخ‌نگارانه پدید آمد که به احتمال قوی آثار تاریخ‌نگاری هیچ سلسله‌ای از این لحاظ به پای این عصر نمی‌رسد. (آرام، ۱۳۸۶: ۲۲۸) تقریباً تمامی این کتاب‌ها به نوعی مذهب تشیع امامیه را تبلیغ و از صفویان به عنوان پرچم‌داران احیاء این آیین حمایت می‌کردند. یکی از این افراد عبدی بیگ شیرازی است که در این پژوهش سعی می‌شود سبک کار او و اهداف تاریخ‌نگاری‌اش ارزیابی شود. با توجه به حمایت پادشاهان صفوی، افرادی مانند عبدی بیگ در بُعد فرهنگی به صورت نویسندگانی پرکار در جبهه دفاع از تشیع ظاهر شدند. آثار این مورخان گویای تمایلات شیعی آنهاست که بی‌تأثیر از افکار و عقاید خاندان صفوی نیستند.

### ۳. زمینه‌های تمایل عبدی بیگ برای تقدیس اهل بیت علیهم‌السلام و خاندان صفوی

یکی از مشکلات مهم و همیشگی پژوهش‌گران عرصه تاریخ این است که باید با استفاده از مطالب موجود در کتاب‌ها، در مورد افراد قضاوت کنند و همین امر آنها را در معرض قضاوت‌های ناصحیح در مورد شخصیت‌های تاریخی قرار می‌دهد. حال اگر بخواهیم با استفاده از مطالبی که در کتاب‌های مورخان آن دوره مندرج شده است، در مورد شخصیت و عقاید خود این مورخان اظهار نظر کنیم، مسلماً این خطر به اشتباه افتادن، دو چندان خواهد شد.

در پژوهش‌هایی که مربوط به تاریخ‌نگاری می‌شود، آگاهی از افکار و سبک نگارش مؤلف موجب می‌شود فضای مقطع تاریخی که نویسنده در آن می‌زیسته، برای محقق امروزی ملموس‌تر شود. در واقع می‌توان از طریق منابع تاریخی هر عصر، نوعی مدل‌سازی برای شرایط آن جامعه انجام داد. در این حالت اطلاعات از طریق افرادی در اختیار ما قرار می‌گیرد که عموماً از نزدیک در جریان امور بوده‌اند. این موضوع برای ترسیم وضعیت جامعه‌ای که مؤلف در آن حضور داشته بسیار مهم است. هر چند وابستگی برخی مورخان به دربارهای حکومت‌ها از اعتبار کتاب‌های آنها کاسته است، اما خود این سبک درباری بودن کتاب‌های تاریخی نیز، به نوعی می‌تواند گویای شرایط حاکم بر آن دوران باشد.

در رابطه با رویکرد عبدی بیگ برای ترویج تشیع، ابتدا باید دید که عبدی بیگ تا چه حد براساس اعتقادات درونی خود، در کتاب‌هایش به جانب‌داری از مذهب تشیع و خاندان صفوی پرداخته است. همان‌طور که گفته شد، قضاوت در این امر به دلیل پیچیدگی‌های خاص این مسئله دشوار است. اما سعی خواهد شد با استفاده از مطالب موجود در محتوای کتاب‌های او و سایر عوامل شخصیتی و محیط زندگانی او، به این سؤال به گونه‌ای مناسب پاسخ داده شود که انگیزه‌های او از اظهار ارادت فراوان به اهل بیت علیهم‌السلام چه بوده است.

در اینجا لازم است به نکته مهمی توجه شود و آن ساختار سیاسی دوره صفوی است که مبتنی بر اندیشه نظام سلطانی شیعه است. در این دوره مباحث زیادی پیرامون اندیشه ولایت فقیه بین علما مطرح شد و حتی برخی محققین معتقدند، مهم‌ترین اندیشه‌ای که در بین مردم دوره صفویه منتشر شد، اعتقاد به ولایت فقیه بود. (حسینیان، ۱۳۹۰: ۱۹۱) اما این نظریه در دوره صفوی بر اساس نظام سلطانی شیعه شکل گرفت که شاه به نمایندگی از ولی فقیه امور را به دست می‌گرفت. این موضوع خارج از بحث اصلی ماست. اما آنچه در این بین مهم است اینکه، به نظر می‌رسد عبدی بیگ قصد تأیید این نوع نگرش را در نوشته‌های خود داشته است و براساس آن، سلاطین صفوی را که در زمره سادات موسوی محسوب می‌شدند، در طول ولی فقیه و امام معصوم آورده و بر این پیش‌بینی نیز تأکید داشته که حکومت شاه طهماسب به حکومت صاحب الزمان متصل خواهد شد.

فارغ از درستی یا نادرستی ادعاهای مطرح‌شده در کتاب تکملة الاخبار، باید گفت که انگیزه‌های مذهبی در وجود عبدی بیگ ریشه‌های عمیقی داشته که این‌گونه با تکیه بر آن، مفاهیم مذهبی را در قالب مفاهیم سیاسی بیان کرده است. چنان‌که او در اوایل کتاب در مورد به قدرت رسیدن شاه اسماعیل این‌گونه به آیات قرآن استناد می‌کند:

«... مدت‌ها هرج و مرج روی نمود تا قضیه صادق‌ه‌جاء الحق و زهق الباطل از حجاب توارى چهره گشود و شاهد جهان آرای فقطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله رب العالمین در آینه ملک جلوه نمود». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۳۵)

### ۱-۳ شخصیت و زندگانی فرهنگی عبدی بیگ

آگاهی ما از زندگی عبدی بیگ اندک است و بیشتر مطالبی است که از لابلای آثار او به ویژه از تکملة الاخبار استخراج می‌شود. خاندان او شیرازی و در آذربایجان سکنا داشتند. پدرش،

عبدالمؤمن بن صدرالدین از کارگزاران دیوان صفوی و از جمله نزدیکان حسین خان شاملو بود و با شاه اسماعیل اول آشنایی داشت. خواجه نظام الدین محمد بن خواجه عمادالدین علی شیرازی، جد مادری وی در آستانه شیخ صفی الدین در اردبیل مقام وزیر (ناظر) داشت. (آل داوود، بی تا: ۱۲۳) عبدی بیگ در نهم رجب سال ۹۲۱ هجری در تبریز دیده به جهان گشود. (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۱۲) او در کودکی پیش شیخ علی بن عبدالعلی که یکی از فضلاء نامدار زمان بود، کسب دانش نمود. ولی در سال ۹۳۷ هجری پس از وفات پدرش ناچار دست از تحصیل کشید. (عبدی بیگ، ۱۹۷۴: ۳) آنچه که مسلم است اینکه، آشنایی با محقق ثانی و بهره‌گیری از آموزش‌های او در ذهن عبدی بیگ می‌توانسته تأثیرات ماندگاری بر جای نهد.

نویدی در سال ۹۳۷ هجری یعنی در شانزده سالگی وارد خدمت دیوان شد و در دفترخانه همایون به کار پرداخت. (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۱۲) او در سال ۹۷۳ هجری به دستور شاه طهماسب از قزوین به اردبیل رفت و تا سال ۹۸۰ هجری به مدت هفت سال در این شهر زندگی کرد و در همانجا به فعالیت‌های ادبی پرداخت. وی کتاب تکملة الخبر را در سال ۹۷۸ هجری در اردبیل نوشت و آن را به پری‌خان خانم، دختر شاه طهماسب اهدا نمود. (عبدی بیگ، ۱۹۸۶: مقدمه کتاب) به نظر می‌رسد او در اواخر عمر و زمانی که شاه اسماعیل دوم به حکومت رسید، دورانی همراه با تشویش را تجربه کرد.

او شاعری توانمند، مورخ و در عین حال یکی از دیوانیان عصر طهماسب بود. شخصیت عبدی بیگ شیرازی و افکار و عقاید مذهبی او نقش تعیین‌کننده‌ای در گرایش قلم او به جانب‌داری از تشیع و صفویان داشته است. برای اینکه به درک صحیحی از جایگاه اهل بیت علیهم‌السلام و خاندان صفوی در آثار عبدی بیگ شیرازی برسیم، لازم است از پیشینه اعتقادی او و هم‌چنین انگیزه‌های مذهبی‌اش در زمان نگارش این کتاب‌ها آگاهی یابیم.

به نظر می‌رسد بخش عمده‌ای از معرفت فکری عبدی بیگ، به عنوان مورخی از خانواده اندیشمندان مذهبی، به‌ویژه اعتقاد به مهدویت، در زمینه مشروعیت‌سازی برای حکومت صفوی تحت تأثیر آموزه‌های کلامی و فهم دینی وی قرار گرفته و این آموزه‌ها در نوشته‌های او، از جمله در تکملة الاخبار بازتاب یافته است. (فیضی سخا، ۱۳۹۳: ۱۱۲)

به سبب آنکه عبدی بیگ در سال‌های آغازین حکومت صفوی که به ترویج و تثبیت گسترده تشیع در ایران اختصاص داشت، زندگی می‌کرد، به ناچار فعالیت‌های علمی او نیز تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته بود. دور از ذهن نیست که عبدی بیگ حمایت از سلسله صفوی را حمایت از



مذهب تشیع بدانند. هم‌چنان که اکثر علمای دوره صفوی این‌گونه می‌اندیشیدند. جانب‌داری از صفویان نیز در تاریخ‌نگاری عبدی بیگ زیر مجموعه جانب‌داری او از تشیع قرار گرفته است. اظهار نظر سام میرزا در مورد عبدی بیگ، مؤید صداقت و دینداری عبدی بیگ است. سام میرزا در مورد او می‌نویسد: «عبدی بیگ از بزرگ‌زاده‌های شیراز است و در امانت و دیانت و راست‌قلمی در این قلمرو بی‌شریک و انباز». (سام میرزا، ۱۳۸۹: ۸۹) خود عبدی بیگ هم در کتاب دوحه الازهار پس از مدحی طولانی از شاه طهماسب، در مورد گفته‌های خود ابیاتی این‌گونه می‌سراید:

خداوندا نگهدار از زوالش  
خلل را ره مده در ملک و مالش  
تو می‌دانی که این دُر‌ها که سَفتم  
یکایک محض حق و صدق گفتم

(عبدی بیگ، ۱۹۷۴م: ۲۴)

در مجموع می‌توان گفت با در نظر داشتن مجموعه شرایط زمانی و شخصیتی و به‌ویژه نظر داشتن این موضوع که او یکی از کارگزاران حکومت شاه طهماسب بود، او یکی از مورخان نسبتاً باصداقت ایران است. وی با توجه به اعتقادات شیعی خود و در آغاز دوران صفویه (عصر ترویج تشیع)، سعی داشته به رسالت خود در تحکیم پایه‌های این مذهب در ایران عمل کند و در این کار از تلاش برای اعتلای جایگاه سلاطین حکومتی روی‌گردان نبوده است. البته برخی پژوهشگران به طور مطلق رویکردی دیگر به شخصیت عبدی بیگ و سبک تاریخ‌نگاری او داشته‌اند. نوشته‌های سیدکاظم روحانی در مورد این مورخ از جمله تندترین اظهارات است: «نویسنده (عبدی بیگ شیرازی) وقتی که از احوال شاه طهماسب سخن می‌دارد، از هیچ‌گونه تملق و مداهنت کوتاهی نمی‌کند و در خصوصیات «طهماسب شاهی ظل‌اللهی» مطالبی آورده که شیوه وقایع‌نویسان متملق و خودفروخته است و یقیناً خواندن این نکات، نوشته‌های مورخان عصر فتحعلی شاه قاجار را در اذهان تداعی می‌نماید». (روحانی، سیدکاظم: ۱۸۵)

### ۲-۳ توجه به پیشگویی‌ها در مورد ظهور صفویان و ترویج مذهب تشیع

تقریباً در تمام منابعی که پس از به قدرت رسیدن صفویان تدوین شده‌اند، بدون هیچ شک و شبهه‌ای سابقه تشیع این خاندان را به پیش از شیخ صفی‌الدین رسانده و گاه با ذکر رؤیاهایی سعی کرده‌اند قدمت تشیع خاندان صفوی را نشان دهند. (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۳)

عبدی بیگ در تکملة الاخبار به اخبار پیشگویانه در مورد رستاخیزی به نام تشکیل سلسله

صفویه و احیای تشیع پس از آنکه قرن‌ها در سایه حکومت‌های سنی‌مذهب بود، نگاه ویژه‌ای دارد. او در جایی به پیشگویی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد ظهور شاه اسماعیل و صفویان اشاره کرده و می‌نویسد: «و هم‌چنان که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام خبر داد:

ملک بنی عباس یسر لا عسر فیه لو اجتمع علیهم التترک و الدیلیم و السنند و الهمند و البربره و الطبرتان علی ان یزیلوا ملکهم لما قدروا و لن یزیلوه حتی یستدعیهم موالیهم و ارباب دولتهم و تسلط علیهم ملک من التترک ویأتی علیهم من حیث بدأ ملکهم لا یمرّ بمدینه آلا فتحها و لا یرفع له رایه آلا نکسها الویل لمن ناواه فلا یزال کذالک یظهر ثم یدفع الظفر الی رجل من عترتی یقول بالحق و یعمل به. (همان: ۳۴)

او در قسمتی از این کتاب می‌نویسد:

«نواب کامیاب خاقانی فردوس مکانی ابوالمظفر شاه اسماعیل الصفوی الموسوی الحسینی این توفیق شد که سکه و خطبه به نام ائمه هدی مزین ساخت و غلغله تبرا در گنبد فیروزه‌گون فلک انداخت و مذهب حق شیعه امامیه اثنا عشریه را که در زمان ائمه معصومین علیهم السلام در لباس تقیه مستور بود، ظاهر و شایع گردانیده، شمشیر خوارجی کُش برافروخت و روی زمین از متمردان بپرداخت و این مذهب آن‌چنان رواج گرفت که حال به دولت شاه دین‌پناه ابوالمظفر شاه طهماسب در ممالک غیر محصوره آن حضرت نیز بی‌مزامحه معمول است». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۴۱)

به کار بستن این عبارات تعصب‌آمیز در مورد شاه اسماعیل به نظر می‌رسد نشأت گرفته از اعتقادات شیعی او و اعتقاد به ظهور فردی با خصوصیات شاه اسماعیل اول بوده که در جای‌جای کتاب تکملة الاخبار، بروز این اعتقاد را مشاهده می‌کنیم.

هم‌چنین عبدی بیگ در جایی دیگر از کتاب به ماجرای گفتگوی کارکیا میرزا علی و اسماعیل ۱۳ ساله در زمانی که او در گیلان اقامت داشت اشاره می‌کند. هنگامی که اسماعیل پس از شش سال اقامت، تصمیم به خروج از گیلان داشت: «کارکیا میرزا علی بن کارکیا سلطان محمد از سادات حسینی پادشاه آنجا بود و کمال خدمت‌کاری و مهمان‌داری به تقدیم رسانید. چون بر خیال نهضت آن اعلی حضرت اطلاع حاصل کرد، یک مرتبه الحاح کرد که هنوز اول طلوع هلال این دولت ابدی‌یوند است. چندان توقف فرمای تا این ماه به چهارده رسد. چه سن آن اعلی حضرت شروع در سیزده کرد. آن دین‌پناه جواب فرمود که از عالم بالا مأمورم و در این نهضت معذورم». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۳۶)

عبدی بیگ با این اشارات، محور اصلی بحث را در ارتباط صفویان با عالم غیب قرار می‌دهد. او از سویی اشاره می‌کند که خاندان صفوی از نسل پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام هستند و از سویی دیگر با بیان اینکه صفویان پس از قرن‌ها به عنوان احیاگران مذهب حقیقی ظهور کرده‌اند و باید از این فرصت به‌دست آمده برای تشیع استفاده حداکثری شود. او با اشاره به مأمور بودن اسماعیل از عالم بالا، ظاهراً بر این نکته تأکید می‌کند که حمایت از حکومت صفوی و پشتیبانی از مؤسس آن که ادعای مرتبط بودن با عالم فرا مادی دارد، یگانه راه نجات در این جهان است. با این اوصاف به نظر می‌رسد تعلق خاطر به مذهب تشیع و بیان اظهار خرسندی از ترویج آن در دوران حیات مؤلف کتاب تکملة الاخبار، آن چنان با تمجید صفویان آمیخته شده که تمییز آن برای خواننده کتاب تکملة الاخبار دشوار است. آنچه حائز توجه است جانب‌داری بی‌دریغ او از تشیع است که بر همه این مسائل سایه افکنده است.

#### ۴. دلایل تعلق خاطر به شاه طهماسب

عبدی بیگ علاقه فراوانی به شاه طهماسب دارد و اشعار زیادی در مدح او سروده است. اما با توجه به روحیات مذهبی او، این ذکر سجایا همان‌طور که از نوشته‌های او نیز برمی‌آید به دلیل نگاه مثبت عبدی بیگ به تعصبات مذهبی شاه طهماسب است. گفته می‌شود که هیچ عصری از اعصار سلاطین همانند دوره حکومت شاه طهماسب اول از لحاظ دین‌داری و عدالت‌پروری و کشورداری براساس معیارهای الهی نبوده است. (قزوینی، ۱۳۶۷: ۳۰) با توجه به این موضوع، در واقع عبدی بیگ، شاه طهماسب را به خاطر اهتمامش بر پیاده‌سازی مذهب تشیع واقعی در ایران می‌ستاید. توبه معروف شاه طهماسب و دوری از مناهی و صدور فرامینی برای ممنوعیت مفاسد و تعطیلی اماکن فساد، او را محبوب عبدی بیگ ساخته بود. (شاه طهماسب پس از توبه، احکام و فرامینی مبنی بر تعطیل شدن شراب‌خانه‌ها و بیت‌اللطفا صادر کرده و به نقاط مختلف کشور ارسال گردانید). (سبزواری، ۱۳۷۷: ۱۶۸ و ۱۶۹). این‌گونه اقدامات یقیناً بر اراده عبدی بیگ در نگارش چنین مداحی‌هایی از شاه طهماسب در کتاب تکملة الاخبار تأثیر زیادی داشته است. وی توبه شاه طهماسب را واقعی دانسته و در چهلمین سال آن در مورد آن توبه چنین نظری دارد:

«انابه و توبه او که حالا چهل سال است که به دولت عطیه توبه نصوح فائز گشته و حفظ آن به مرتبه‌ای در طبیعت و سلیقه مبارکش رسوخ یافته که تصور هیچ‌گونه خلل صورت امکان ندارد

و به دولت این توبه و انابت او پرتو آفتاب جهانتاب «الناس علی دین ملوکهم» بر ساحت احوال جمیع برآیا که در ظلّ معدلت و ارشادش آسوده‌اند تافته است. کدام مدیر باشد که در زمان او از مناهی چیزی سربزند و گوشمال به وجهی نیابد که تا قیام قیامت اثر آن در گوش جاننش باقی نماند». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۱۶۶ و ۱۶۷)

رابطه نزدیک شاه طهماسب با علما هم نمودی از حکومت دینی او بوده که عبدی بیگ را به صداقتش معتقد ساخته بوده است. البته خود شاه طهماسب هم بر اثر نشست و برخاست با علما از علم و دانش آن‌ها بهره‌مند می‌شد. اما عبدی بیگ در سواد دینی او مبالغه کرده و می‌نویسد: «در مجلسی که در مقام افادت درآید، اگر کسی قلم و صحیفه در دست گیرد و آنچه آن حضرت از روی صحیفه خاطر اشرف علی سبیل المحاوره بیان فرماید، قلمی نماید هرآینه رساله‌ای باشد مشتمله حقایق و دقایق و محتویه بر آیات و احادیث و ابیات نفیسه و نکات لطیفه که جمیع فصحا و علما و بلغا در آن حیرت نمایند». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۱۶۶)

از این نوع مبالغه‌ها در مورد شاه طهماسب در کتاب تکمله الاخبار به وفور دیده می‌شود. در خاتمه کتاب تکمله الاخبار نیز نویسنده، دوازده مورد از خصوصیات نیک اخلاقی شاه طهماسب را برشمرده و در مورد هر کدام قدری توضیح می‌دهد. سپس می‌نویسد که «چون اوصاف و اخلاق او بی‌شمار است، بنابر تیمّن، همین دوازده خصلت را مابه‌الامتیاز آن حضرت از سلاطین و خوانین روزگار از ماضی و حال به سیاق کلام درآورد». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۱۶۵ تا ۱۶۹)

همچنین در اوایل دوره صفوی ذکر رؤیاهای، نقش زیادی در باورپذیری مردم داشته است و تاریخ‌نگاران این عصر با این شیوه، افکار جامعه را به سوی ترویج مذهب تشیع اثناعشری هدایت می‌کردند. تاریخ‌نگاران این دوره، بسیاری از تصمیمات پادشاهان صفوی را براساس رؤیاهای صادقانه توجیه کرده‌اند. عبدی بیگ نیز در تکمله الاخبار در مورد رؤیاهای صادقانه شاه طهماسب می‌نویسد: «این مقرر است که هرکس صدق در اقوال داشته باشد، خواب‌های او صحیح باشد و لهذا خواب‌های آن حضرت صحیح است و اکثر اوقات حضرات ائمه معصومین علیهم‌السلام و حضرت سید المرسلین و آباء و اجداد عظیم الشان علیهم‌السلام به خواب از مغیبات خبر می‌دهند و امر به خدمات می‌فرمایند». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۱۶۷ و ۱۶۸) ذکر این رؤیاهای تأکیدی دوباره از سوی نویسنده کتاب بر وجود ارتباط بین پادشاهان صفوی و حضرات ائمه علیهم‌السلام است.

او در جایی دیگر از کتاب، توبه معروف شاه طهماسب را مبتنی بر یک خواب ذکر می‌کند و می‌نویسد: «همان شب، در رؤیا، بر آن حضرت چنان ظاهر می‌شود که در بیرون پنجره پایین

پای حضرت امام الجن و الأنس علیهما السلام، دست میرهادی موسوی گرفته از شراب و زنا و لواطه و مسکرات توبه می‌کنند. علی الصباح خواب را با امرای تقریر کرده توبه نصح می‌فرمایند». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۷۶ و ۷۷)

نویسنده تکملة الاخبار همچنین خواب دیگری از شاه طهماسب را این‌گونه توصیف می‌کند: «پرتو التفات اعلی حضرت خاتم ائمه المعصومین ... المهدی خلیفه الرحمن مرفی کل حین و آن، به ساحت احوال شاه پاکیزه خصال افتاده دیدار مبارک خود در خواب بدان حضرت نمود و میان ایشان گفت و شنودی که در منظومه علی حده مفصلاً سمت اتساق یافته گذشت». (همان: ۱۲۶ و ۱۲۷)

#### ۵. مشروعیت بخشی به حکومت صفویان

بخش قابل توجهی از تلاش عبدی بیگ در تکملة الاخبار معطوف به مشروعیت بخشی به خاندان صفوی است. او با تأکید بر سیادت صفویان و صلاحیت آنها برای ترویج تشیع، سعی بر باورپذیری بیشتر این موضوع برای خواننده دارد.

شجره‌نامه، عنصر سنتی تواریخ عصر صفویه محسوب می‌شود. مورخان عصر صفوی سلسله نسب خاندان صفویان را به امام موسی کاظم علیه السلام می‌رسانند. در نتیجه فرمانروایی صفویان را بر اساس نسب‌شناسی از تبار امام هفتم شیعیان اثناعشری دانسته و از این طریق به آنها مشروعیت می‌بخشند. (کویین و نوروزی، ۱۳۸۵: ۱۲۲) عبدی بیگ ابتدا شجره‌نامه صفویان را از شاه اسماعیل تا امام موسی کاظم علیه السلام به طور کامل ذکر نموده و در جاهای متعددی از کتاب نیز به این سیادت تأکید می‌کند. عبدی بیگ به این نکته اشاره می‌کند که در طول تاریخ بعد از پیامبر اکرم ص افراد و گروه‌های متعددی از جمله مختار ثقفی، ابومسلم خراسانی، عباسیان (در ابتدای کار)، بویه‌یان و ... به هواخواهی اهل بیت علیهم السلام برخاسته‌اند. ولی توفیقی نداشته‌اند و تنها صفویان و شاه اسماعیل به این مهم دست یافته‌اند. (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۴۱ و ۴۰)

مؤلف در ابتدای کتاب نوشته است: «منصب دارالسلطنه جهان نبی الرحمن که خلاصه عالم امکان است باشد و بعد از او و مخصوص امیرالمؤمنین باشد که هم از جانب حضرت حق و هم از جانب پیغمبرم مخصوص به امامت و ریاست کافه خلائق است و بعد از آن حضرت، این منصب عالی علی التوالی به حضرات ائمه اثناعشر علیهم السلام تعلق دارد و غیر ایشان هر کس که در این امر دخل نماید، جائز است و چون سلطان زمان صاحب امر علیه صلوات الله الملك المنان غائب

است، حق آن است که از سلسله علیّه علویه فاطمیه، شخصی که قابلیت این امر داشته باشد، در میان بندگان خدای، حکم امام زمان را جاری سازد و خلاق را از مزال و مضال و مضار باز آورده، راهنمایی به مذهب حق اثنا عشری نماید که بر سریر سلطنت جلوس فرموده به اجرای احکام قائم آل محمد قیام نماید». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۳۳ و ۳۴)

در این عبارات تصریح شده که هر کس امر حکومت را بعد از ائمه علیهم السلام متصدی شود، جائز است. وی در آغاز کتاب پس از اشاره به اختصاص داشتن حکومت به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه اثنا عشر علیهم السلام می گوید در عصر غیبت، این مقام حق فردی از سلسله علویه فاطمیه است و برای تأیید گفتار خود روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده و با اشاره به زوال حکومت بنی عباس به دست هلاکو می گوید: «و بعد از آن ظفر از سلسله هلاکویه به هیچ کس از عترت امیرالمؤمنین علیه السلام منتقل نگشت؛ الا به سلسله علیّه صفویه که شاه جنت- مکان جهان را مسخر کرد و حق گفت. یعنی به خطبه ائمه اثنا عشر علیهم السلام و حقیقت ایشان و بطلان اعدای ایشان قائل شد و عمل به حق کرد. یعنی خارجیان و سنیان باطل قول و العمل را برانداخت و هیچ کس از سلسله سادات بنی فاطمه را این دست نداد». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۳۴ و ۳۵)

عبدی بیگ با این اظهارات درباره جانشینی صفویان به جای امام زمان ، قصد دارد آنها را وارث حقیقی حکومت ائمه علیهم السلام معرفی کند. او معتقد است در طول تاریخ هیچ فردی موفق به تشکیل حکومت شیعی با مؤلفه‌های موجود در سلسله صفوی نشده است. به این معنا که خاندان صفوی که از نسل امیرالمؤمنین علیه السلام هستند، پس از قرن‌ها توفیق تشکیل حکومتی مستقل را یافته‌اند که اساس آن بر ترویج مذهب حق اثنا عشری است. با این اوصاف او حکومت‌هایی مانند آل بویه، فاطمیان و حمدانیان را حکومت‌هایی می‌داند که یا مستقل از حکومت‌های سنی مذهب نبوده‌اند و یا حاکمان آنها، دوازده امامی نبوده‌اند و تنها حکومت ایده‌آل به لحاظ اعتقادی و سیاسی را صفویان می‌داند. مطلبی که به آن اشاره شد، اساس باورهای عبدی بیگ شیرازی را تشکیل می‌دهد که در کتاب تکمله الاخبار، در مناسبت‌های مختلف و بنا به اقتضای شرایط بر آن اصرار ورزیده و به نظر می‌رسد باور قلبی او باعث شده است که به چنین جمع‌بندی از حکومت صفوی و زمینه‌ساز بودن آن برای حکومت حضرت مهدی برسد.

### ۶. بروز و ظهور توجه به اهل بیت علیهم‌السلام در سبک نگارشی

آنچه که بیشتر از تمام ظواهر کار در کتاب تکملة الاخبار به چشم می‌آید، تعصبات شیعی مؤلف است که سراسر این کتاب را تحت تأثیر خود قرار داده است.

سرآغاز کتاب با مدح نسبتاً طولانی پادشاهان صفوی شروع می‌شود که خواننده با دیدن عبارات عبدی بیگ خود را در برابر مورخی درباری می‌بیند که با مدح حاکمان قصد تقرب به آنان را دارد. اما این برداشت اولیه چندان منصفانه به نظر نمی‌رسد. همان‌طور که گفته شد، در نگاه اول، سبک نگارش عبدی بیگ، همانند بسیاری از کتاب‌های تاریخی مورخان ایرانی، آمیخته با ستایش‌گری است. اما این واقعیت کار نیست و به اعتقاد برخی محققین، عبدی بیگ حیات خود را مانند برخی از شعرای معاصر خود صرف مرثیه‌گویی و مدیحه‌سرایی نکرده است. (عبدی بیگ شیرازی، ۱۹۷۴م: ۸) لازم به ذکر است که عبدی بیگ در برخی اشعارش حتی به پادشاهان و سلاطین نصیحت می‌کرده که به رعیت و سپاهیان به چشم واحد بنگرند. (عبدی بیگ شیرازی، ۱۹۷۷م: مقدمه کتاب) در حالی که شاید ظاهر عباراتی که در کتاب تکملة الاخبار به کار بسته شده برای خواننده امروزی گویای این مطلب نباشد.

عبدی بیگ با حمایت همزمان از تشیع و خاندان صفوی به نوشته‌های خود رنگ ایدئولوژیک بخشیده است. عبدی بیگ خاندان صفوی را همانند تمام مردم ایران در دوره صفویه، از اولاد ائمه اطهار علیهم‌السلام دانسته و به همین دلیل در ذکر اتصال این خاندان به اهل بیت علیهم‌السلام و مدایح آنان تلاش کرده است. (تشکیک در مورد نسب صفویان در دوره معاصر انجام شده است).

اما باید اذعان داشت که بخش اعظم کتاب تکملة الاخبار نیز همانند اکثر کتاب‌های تاریخ ایران، به گزارش‌دهی سرگذشت پادشاهان و مسائل سیاسی اختصاص دارد و کمتر به مسائل فرهنگی- اجتماعی پرداخته است. با این حال، به جرأت می‌توان گفت که کتاب تکملة الاخبار از نظر میزان مطالب موجود درباره مسائل فرهنگی- مذهبی به کل حجم کتاب، از جمله کتبی است که مؤلف آن بیشترین گرایش را به نگارش تاریخ اجتماعی داشته است. او در ابتدای کتاب و تحت عنوان «در ذکر پادشاهان عالی‌جاه صفویه امامیه»، یکصد صفحه را به نحوه قدرت رسیدن شاه اسماعیل و اقدامات او و سپس شاه طهماسب اختصاص داده است. در این صفحات بیشتر به گزارش مربوط به جنگ‌ها و صلح‌ها و اردوهای نظامی و تفریحی شاه و آمد و شد وزیران و سفیران و سایر عوامل حکومتی به دربار و اقدامات آنها و ... پرداخته شده است. اما در لابه‌لای همین ذکر وقایع سیاسی، به دفعات به مسائل مذهبی با حالتی جانب‌دارانه از مذهب تشیع دوازده

امامی اشاره شده و در بیشتر موارد ردپایی از باورهای شیعی در قلم او دیده می‌شود.

### ۷. آرا مؤلف درباره اتصال حکومت صفوی به حکومت مهدوی

معضل مهم برای عبدی بیگ و کلیه افرادی که در طول دوره صفوی به وجود نوعی اتصال بین حکومت صفویان و حکومت اهل بیت علیهم‌السلام قائل بودند، مسئله اشارات ائمه علیهم‌السلام به مشروعیت حکومت ولایت فقیه در عصر غیبت است. اگر هم‌زمان بگوییم که حکومت در عصر غیبت متعلق به فقیه جامع‌الشرایط است و در همان حال حکومت صفویان را حکومت مشروع بدانیم، در گفتار خود دچار تناقض‌گویی شده‌ایم. نکته کلیدی در این بین، استیلای نظریه «نظام سلطانی شیعه» بر نظریه «ولایت فقیه» در دوره صفوی بوده است.

موضوع زمینه ساز بودن حکومت صفویان برای حکومت حضرت مهدی از همان آغاز دوره صفوی مطرح بود و نکته جالب اینکه عبدی بیگ از شاه اسماعیل با عبارت «مقدمه الجیش صاحب الزمان» یاد می‌کند: «مقدمه الجیش صاحب الزمان، ابوالمظفر سلطان شاه اسماعیل بن سلطان شاه حیدر بن ... حمزه بن الامام موسی بن جعفر الکاظم علیه و آباءه الصلوه و السلام». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۳۵)

در دوره حکومت شاه طهماسب حتی کار بالا می‌گیرد و فقها تا مرز در دست گرفتن حکومت نیز پیش می‌روند. شاه طهماسب براساس تعلیمات محقق کرکی و سایر اطلاعاتی که از دیگر مجاری کسب کرده بود، به نظریه ولایت فقیه معتقد شده بود. شاهد مدعا نیز ارائه پیشنهاد پذیرش حکومت از سوی او به محقق کرکی است که خوانساری این چنین از قول شاه طهماسب به آن اشاره کرده است: «پادشاهی در اصل برای ایشان است؛ چراکه ایشان نائب امام هستند و شاه نیز یکی از کارگزاران او محسوب می‌شود که مجری اوامر و نواهی‌شان است». شاه طهماسب هم چنین فرمانی صادر کرد که عوامل حکومت دستورات کرکی را اطاعت کنند. (موسوی خوانساری، ۱۳۹۱ق: ۴ / ۳۶۱)

در این دوره حتی برخی از فقها و اندیشمندان شیعه، شاهان صفوی را نایب امام می‌خواندند. (قاضی مرادی، ۱۳۸۶: ۴۶) اما پادشاهان صفوی مدعی نیابت نبودند و این مقام بیشتر از آن مجتهدان و فقیهان بود. (گروهی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ۱۷)

در دوره صفوی داستان رجعت و علائم ظهور و ادعاهای تطبیق، نه تنها عوام بلکه خواص را هم شامل شد و دامن برخی از علمای بزرگ را هم گرفت. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۴) تاریخ‌نگاری



دوره صفوی سهم مهمی در رشد باورپذیری نزدیک بودن زمان ظهور در بین مردم ایران داشته است. مورخان این دوره با ذکر پیشگویی‌هایی از بزرگان تشیع و تصوف و منجمان و پیشگویان، در زمینه ظهور امام زمان ، فرهنگ انتظار را در بین توده مردم گسترش می‌دادند. عبدی بیگ هم در این زمینه ید طولایی داشته است.

عبدی بیگ در مورد حکومت شاه اسماعیل و مقدمه بودن حکومت او برای حکومت امام زمان می‌نویسد: «قشون قشون صوفیان و غازیان از اویماقات روملو و شاملو و ذوالقدر از بطون روم و شام و متون مصر و دیار بکر شروع درآمدن کردند و پروانجات مشتمله بر استحضر منتظران ظهور آن اعلی حضرت که مقدمه ظهور حضرت صاحب الزمان است به هر جانب رفت». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۳۸)

نویسنده کتاب، حکومت شاه طهماسب را نیز حکومتی کاملاً مشروع و زمینه‌ساز برای حکومت حضرت مهدی می‌داند. این اعتقاد، در مطالبی که او در کتاب تکملة الاخبار نوشته است، مشاهده می‌شود. بخشی از این مطالب به مسئله اثبات سیادت صفویان اختصاص دارد و بخش مفصل‌تر به تبیین «نظریه اتصال» و «نظریه نیابت».

عبدی بیگ در مورد جلوس شاه طهماسب بر تخت پادشاهی، این‌گونه خبر می‌دهد: «نواب کامیاب سپهرکاب ظفرارکاب قدسی‌جناب قدوسی‌انتساب سیدالسلطنین مولی الخواقین، خلاصه الماء و الطین، ظل الله فی الارضین، صاحب القرآن، ناصر صاحب الزمان ، المؤید من عندالله المنصور بنصره الله، اعنی اعلی حضرت شاهی ظل اللهم ابوالمظفر شاه طهماسب بن شاه اسماعیل الحیدری الجنیدی ثم الصفوی ثم الموسوی ثم الحسینی العلوی خلد الله ملکه و سلطانه و افاض علی العالمین بره و عدله و احسانه و احسن الیه کما احسن الی البریه». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۶۰)

علاوه بر ذکر نسب شاه طهماسب که همانند دیگر منابع این دوره برای هویت‌بخشی به این خاندان و به تبع آن تحکیم وحدت مذهبی در ایران دوره صفوی صورت می‌پذیرفت، در این متن مشاهده می‌شود که از شاه طهماسب با عنوان «ناصر صاحب الزمان» یاد می‌کند. مطلبی که بلافاصله پس از این قسمت نوشته شده، در واقع به مثابه توضیحی است برای این عبارت عبدی بیگ.

او پس از ذکر این مطلب، بلافاصله می‌نویسد: «در نهصد و سی و نوزدهم ماه رجب بر سریر سلطنت و جهانبانی جلوس فرمود و چون «آخر الزمان» به حساب جمل موافق تاریخ است،

سلطنت آخرالزمان به آن اعلیٰ حضرت مخصوص است و رواج دین محمدی و رونق مذهب اثناعشری در زمان سلطنت آن اعلیٰ حضرت به مرتبه‌ای رسید که زمان مستعد آن شد که صاحب الأمر لوای ظهور برافرازد». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹ ص: ۶۰) این گونه استنتاج‌ها در تواریخ مربوط به دوره صفوی امری عادی بوده است. مثلاً مؤلف تاریخ جهان‌آرا هم با اشاره به روایت لکل قوم دوله و دولتنا فی آخر الزمان می‌نویسد: «چون کلام آن حضرت مرموز و مکنوز است و لفظ آخرالزمان به حسب عدد ابجد نهصد و سی مطابق سال جلوس همایون لاشک که زبان حال مصدقّ مقال است». (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۸۱)

به هر روی، در مورد موافقت عبارت «آخرالزمان» با حساب جمل نیز عبدی بیگ از این ویژگی استفاده کرده و ظهور حضرت مهدی را در دوره حکومت شاه طهماسب پیش‌بینی می‌کند. لازم به ذکر است که در ابتدای دوره صفوی شرایط جامعه می‌طلبیده که فرهنگ انتظار منجی ترویج داده شود و چه ترویجی بهتر از این که گفته شود زمان ظهور نزدیک است و تلاش‌های خاندان صفوی و در رأس آنان شاه اسماعیل و شیعیانی که او را در تثبیت مذهب حق تشیع اثناعشری یاری دادند، به زودی به ثمر خواهد نشست و حکومت صفویان به حکومت حضرت قائم متصل خواهد شد. با توجه به قرائن موجود به نظر می‌رسد اعتقاد به ظهور حضرت حجت در عصر حکومت شاه طهماسب، اعتقاد قلبی عبدی بیگ بوده است. او در یکی از اشعارش در مدح شاه طهماسب می‌نویسد:

در دولت شاه موسوی اصل یابیم بصاحب الزمان وصل

(عبدی بیگ، ۱۹۷۹: ۴)

این جاست که اعتقاد عبدی بیگ در مورد اتصال حکومت شاه طهماسب به گونه‌ای آشکار بیان می‌شود. او در ابیات دیگری نیز به این مطلب اشاره می‌کند که ما تنها یک مورد از آنها را ذکر کردیم. عبدی بیگ در جایی دیگر و در انتهای کتاب تکملة الاخبار و زمانی که برخی از خصوصیات شاه طهماسب را برمی‌شمرد، درباره تداوم حکومت او این گونه دعا می‌کند: «امید که دولتش به دولت امام دوازدهم صاحب الزمان علیه و آباءه صلوات الرحمن متصل و مقرون گردد». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۱۶۵)

در مجموع باید گفت که در ابتدای دوره صفوی بحث اتصال جدی گرفته شده بود و بعدها، وقتی از عصر طهماسب گذشت و از ظهور خبری نشد، نوعی انتظار محدود همچنان بر اساس یک سنت قدیمی در میان امامیه باقی ماند. (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۶۵) عبدی بیگ شیرازی و قاضی

احمد غفاری آخرین مورخان عصر صفوی بودند که اندیشه موعودگرایی یا میسیانیزم را به عنوان یک پایه فکری برای تبیین برخی تحولات تاریخی به کار بردند. به عبارت دیگر این اندیشه در آثار آنان به اوج خود رسید و پس از آنها سیر نزولی پیمود. (آرام، ۱۳۸۶: ۲۵۶) عبدی بیگ به هرحال در دوره شاه اسماعیل و شاه طهماسب می‌زیسته و از نزدیک در جریان روند ترویج تفکر شیعی در آن عصر بوده است و با توجه به اینکه خود از شیعیان معتقد بود، می‌توان گفت که در روند طبیعی سیر جامعه به سوی پیاده‌سازی کلیه عقاید و شئونات مذهب شیعه امامیه، این سخنان را با دست‌مایه این‌گونه مطابقت‌های تاریخی نوشته است. به نظر می‌رسد او یکی از دل‌باختگان امام زمان بوده است و این موضوع در اشعار و هم‌چنین ادعیه او هویداست.

در دوران شاه طهماسب شاهد قیام‌هایی در آذربایجان بودیم. عبدی بیگ هم که در این زمان در آذربایجان حضور داشته، مسلماً از این جریان‌ها بی‌خبر نبوده است. عبدی بیگ پس از آنکه وضع دوره را به شکل تعمیمی تصویر می‌نماید، خاطر نشان می‌سازد که زمان ظهور امام دوازدهم فرا رسیده است. (عبدی بیگ، ۱۹۸۶: مقدمه کتاب) آخرین جمله کتاب تکملة الاخبار نیز چنین است: «اللهم ارزقه لقاء صاحب الزمان علیه و آئاته صلوات الرحمن و احفظه من طوارق الحدیثان بحق الحق و اهله». (عبدی بیگ، ۱۳۶۹: ۱۶۹)

### نتیجه

کتاب تکملة الاخبار از جمله آثاری است که پشتیبانی از مذهب تشیع اثناعشری را به روش‌های مختلف به نمایش در آورده است. مهم‌ترین علت جانب‌داری گسترده از مذهب تشیع در این کتاب، اعتقادات مذهبی مؤلف آن است. عبدی بیگ شیرازی از جمله تاریخ‌نگارانی بوده است که باور عمیقی به آنچه که در این کتاب در مورد مذهب تشیع آورده، داشته است. نکته دیگر در مورد سبک تاریخ‌نگاری این کتاب، حمایت توأم از مذهب تشیع و حکومت صفوی است.

عبدی بیگ در کتاب تکملة الاخبار، ظهور صفویان را به مثابه رستاخیزی برای مذهب تشیع دوازده امامی می‌داند و لزوم حمایت از آن را متذکر می‌شود. او توجه به دین و سیاست را در درون جملاتش پیوند داده و مشروعیت صفویان را به شیوه‌ای ظریف با استفاده از آیات قرآن و روایات شیعی تبیین کرده است. مؤلف کتاب، شاه اسماعیل را همانند منجی بزرگی معرفی می‌کند که پس از قرن‌ها مهجور ماندن شیعه، با الهامات غیبی به پا خاسته و بنیان شیعی مستحکمی بنا می‌نهد که تا ظهور مهدی موعود پابرجا می‌ماند.

عبدی بیگ، شاه طهماسب را نیز همپای شاه اسماعیل و حتی بسیار بیشتر از او می‌ستاید. چراکه او شاه طهماسب را فردی متدین و کوشا در امر تثبیت تشیع یافته که تمام تلاش خود را در این راه مبذول داشته است. در موارد متعددی در کتاب تکملة الاخبار از اقدامات شاه طهماسب گزارش داده شده که در مسیر ترویج تشیع بوده است. این ذکر عامدانه همراه با ارزش‌بخشی به اقدامات شاه طهماسب از سوی مؤلف به گونه‌ای زیبا در کتاب تکملة الاخبار منعکس شده است. هم‌چنین عبدی بیگ حکومت شاه طهماسب را مقدمه‌ای برای حکومت حضرت مهدی معرفی می‌کند و با ذکر دلایلی سعی دارد باور خود را در مورد اتصال حکومت صفوی به حکومت مهدوی به خواننده القا کند.

در مجموع، عبدی بیگ با رساندن نسب صفویان به ائمه علیهم‌السلام، دعا برای تداوم حکومت صفوی تا زمان ظهور حضرت صاحب الامر ، تأکید بر ارتباط شاه اسماعیل و شاه طهماسب با عالم غیب و حضرات معصومین علیهم‌السلام و مأذون بودن از جانب ایشان برای تشکیل حکومت، طرح نظریه اتصال حکومت صفوی به حکومت مهدوی، ذکر اقدامات پادشاهان صفوی برای ترویج تشیع و بیان پیشگویی‌های صورت پذیرفته در دوران قبل از صفویه برای تشکیل این حکومت توسط شاه اسماعیل، سعی در حمایت همزمان از مذهب تشیع اثناعشری و حکومت صفویان در کتاب تکملة الاخبار داشته است. دلیل اصلی این نوع اظهارات و جانب‌داری عبدی بیگ از صفویان، تعلق خاطر فراوان عبدی بیگ به تشیع است که حمایت از خاندان صفوی را بلافاصله به عنوان لازم و ملزوم در کنار یکدیگر می‌پندارد.

## منابع

- احمدی، نزهت، رؤیا و سیاست در عصر صفوی، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۸.
- آرام، محمداقبر، اندیشه تاریخ نگاری عصر صفوی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- جعفریان، رسول، مهدیان دروغین، تهران، انتشارات علم، ۱۳۹۱.
- \_\_\_\_\_، نظریه اتصال دولت صفویه با دولت صاحب الزمان \_\_\_\_\_، تهران، نشر علم، ۱۳۹۱.
- چایلد، و. گوردون، تاریخ، ترجمه سعیدحمیدیان، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۵.
- حسینیان، روح الله، تاریخ سیاسی تشیع، تهران، نشر علیون، ۱۳۹۰.
- سزوار، ملامحمداقبر، روضه الانوار عباسی، تصحیح اسماعیل چنگیزی اردهایی، تهران، انتشارات میراث مکتوب، ۱۳۷۷.
- صفوی، سام میرزا، تحفه سامی، تصحیح فاطمه انگورانی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۹.
- عبدی بیگ شیرازی، زین العابدین علی، هفت اختر، مسکو، انتشارات دانش، ۱۹۷۴م.
- \_\_\_\_\_، تکملة الاخبار، تصحیح عبدالحسین نوائی، تهران، نشرنی، ۱۳۶۹.
- \_\_\_\_\_، دوحه الازهار، تصحیح علی مینائی تبریزی و ابوالفضل رحیموف، مسکو، انتشارات دانش، ۱۹۷۴م.
- \_\_\_\_\_، آیین اسکندری، مسکو، انتشارات دانش، ۱۹۷۷م.
- \_\_\_\_\_، جنه الاثمار. زینه الاوراق. صحیفه الاخلاق، ترتیب متن و مقدمه ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف، مسکو، انتشارات دانش، ۱۹۷۹م.
- \_\_\_\_\_، مظهر الاسرار، مقدمه ابوالفضل هاشم اوغلی رحیموف، مسکو، انتشارات دانش، ۱۹۸۶م.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد، تاریخ جهان آراء، تهران، انتشارات کتابفروشی حافظ، ۱۳۴۳.
- قاضی مرادی، حسن، تأملی بر عقب ماندگی ما، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۶.
- قزوینی، ابوالحسن، فوائدالصفویه، تصحیح مریم میر احمدی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۷.

## ۱۵۲ سخن تاریخ / سال سیزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۳۹۸

گروهی از نویسندگان، گزیده آثار همایش بین المللی تشیع و خاورشناسان، قم، انتشارات خاکرین، ۱۳۸۷.

موسوی خوانساری، محمدباقر، روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات، قم، نشر مکتبه اسماعیلیان، ۱۳۹۱ق.

### مقالات

آل داوود، سیدعلی، نوشته‌های تاریخی عبدی بیگ شیرازی، مجله تحقیقات اسلامی، ص ۱۲۱ تا ۱۴۳.

صفت گل، منصور، تاریخ‌نویسی در ایران عصر صفوی، مجله پژوهش‌های علوم تاریخی، شماره ۱، ص ۶۵ تا ۸۴، ۱۳۸۸.

کویین، شعله و نوروزی، فرشید، میراث تاریخ نگاری عصر صفوی، مجله تاریخ اسلام در آیین پژوهش، شماره ۱۰، ص ۱۱۵ تا ۱۳۶.

روحانی، سیدکاظم، تکملة الاخبار، مجله کیهان اندیشه، شماره ۳۵، ص ۱۸۰ تا ۱۸۷.  
فیضی سخا، مهدی، تاریخ نگاری و تاریخ نگری عبدی بیگ شیرازی در تکملة الاخبار، مجله تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، شماره ۱۳، ۱۳۹۳، ص ۱۰۵ تا ۱۲۳.